

Analysis of the Concept of "Deprivation of Motivation" based on the Linguistic Structure in Verse 23 of Surah Baqara

Mojtaba Norouzi *

Assistant Professor of Qur'anic sciences
and interpretation, Holy Quran University
of Sciences and Education, Mashhad, Iran.

Marziyeh Bakhshiniya 

Master's degree in Qur'anic Interpretation
and Sciences, Faculty of Quranic Sciences,
Mashhad, Iran.

Abstract


The expression "negation of motivation" in "Qol-e be Sarfeh" is an extra-linguistic concept. God deprives his audience of motivation. Thus the challenge remains unanswered. Historical evidence is the evidence of the rejection of doubt. But from an in-text perspective, are there actions needed to motivate the context and meaning of the verse? If the concept of in-text and out-of-text is aligned, it is a good answer to reject the notion of "utterance" based on linguistic methods. The use of rhetorical strategies in the language of the Qur'an, such as awareness tools, exit from a clear requirement for words, and functions such as adjective and apposition, the use of the Mosul "allazi" and ... in the context of the verse show that the verse of challenge is located in a motivational context. With all these incentives, if no challenge has been made, it is not due to its lack of motivation. It is the art of the text that works miracles.


Keywords: Directive act, Challenge, Qol-e be Sarfeh, verse 23 of Surah Al-Baqarah, Rhetorical strategies.

* Corresponding Author: m.noruzi@quran.ac.ir

How to Cite: Norouzi, M., Bakhshiniya, M. (2020). Analysis of the Concept of "Deprivation of Motivation" based on the Linguistic Structure in Verse 23 of Surah Baqara, Quarterly Journal of Seraje Monir, 11(40), 167-191.

واکاوی مفهوم «سلب انگیزش» بر اساس ساختار زبانی در آیه ۲۳ سوره بقره: «مطالعه موردی شبهه قول به صرفه»

مجتبی نوروزی  * استادیار علوم قرآن و تفسیر، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، مشهد، ایران

مرضیه بخشی‌نیا  دانش آموخته کارشناسی‌ارشد تفسیر و علوم قرآن، دانشکده علوم قرآنی، مشهد، ایران

چکیده

شبهه «سلب انگیزش» در «قول به صرفه» یک مفهوم برون زبانی است. بدین معنا که انگیزه آوردن مثل آن را از مخاطبش سلب می‌کند. شواهد تاریخی موجود گواه ردی بر این شبهه است؛ اما ساختار زبانی آیات نیز انگیزش لازم برای جلب مخاطب را داراست؟ اگر مفهوم درون و برون‌متنی، هم‌راستا باشد، پاسخ مناسبی برای رد شبهه «قول به صرفه» بر اساس روش‌های زبان‌شناسی است. برای این منظور با روش توصیفی و تحلیلی در سیاق آیه ۲۳ سوره بقره، اسلوب‌های بلاغی انگیزش‌زا جستجو می‌گردد. در سیاق آیه کاربرد ادات آگاهی‌بخش ندا، سبک خروج از مقتضی‌ظاهر و توابعی چون نعت و بدل، استفاده از موصول «الذی» و... نشان می‌دهد، آیه تحدی در سیاقی انگیزشی واقع شده است. با تمام این ترغیب‌ها اگر تحدی صورت نگرفته است؛ به‌علت سلب انگیزش آن نیست؛ بلکه هنر متن آیات قرآن، قابلیت دارد که کسی توانایی مجاززه با آن را ندارد و به سمت توحید هدایت می‌کند.

کلیدواژه‌ها: کنش انگیزشی، تحدی، قول به صرفه، آیه ۲۳ سوره بقره، راهبردهای بلاغی.

مقدمه

در علم زبان‌شناسی «مفهوم انگیزش» به نام نظریه «کنش‌گفتار» در متون دینی بررسی گردیده است؛ در زبان عربی نیز علم بلاغت عهده‌دار شناخت بررسی زبان انگیزشی در حوزه علم معانی است. بلغای این علم به صورت موردی آیات قرآن را از حیث اعجاز قرآن مورد بررسی قرار داده‌اند. منظور از آیات انگیزشی آن دسته از آیات است که مخاطب خود را ترغیب به انجام کار مورد هدف می‌کند؛ تا از طریق آن شوق به انجام عمل از وی سربزند. یکی از مفاهیم شبهه «قول به صرفه»، این است که خداوند انگیزه را از مخاطبش سلب می‌کند تا در آوردن مثل آن عاجز شود. این شبهه به صورت عقلی و شواهد تاریخی رد شده است، اما از لحاظ ساختار زبانی درون متن آیات قرآن کریم، تحقیقی صورت نگرفته است.

پژوهش پیش‌رو در پی طرح این مسئله است که آیه ۲۳ سوره بقره با موضوع «تحدی قرآن»، از لحاظ ساختارهای ادبی، کنش لازم برای جلب مخاطبش را ایفا می‌کند؟ در حقیقت سیاق آیه به سمت جلب مخاطب پیش رفته یا انگیزه را در ساختار زبان سلب کرده است؟ لازمه بحث داشتن انگیزه در هم‌آوردی با قرآن، فقط از طریق گفتگوی انگیزشی قبل از تحدی صورت خواهد گرفت. آنچه در زبان‌شناسی به عنوان کنش ترغیبی تلقی می‌گردد، این است که هدف گوینده: اجبار یا تشویق مخاطب به انجام کاری یا ترک کاری که ممکن است در قالب جملات امر، پرسش، خواهش یا فرمان متبلور گردد؛ اما روش انجام این تحقیق جستجوی ساختار ادبی انگیزشی در زبان عربی است که با استفاده از قالب‌هایی چون موصول «الذی»، به جای مسندالیه و یا حذف و تکرار و... باهدف به شوق آوردن مخاطب صورت می‌گیرد، بنابراین با جستجوی ساختار انگیزشی در سیاق آیات تحدی می‌توان به این پرسش پاسخ داد.

۱-۱. پیشینه پژوهش

درباره قول به صرفه و نقد آن در کتاب‌های مختلف کلامی و علوم قرآن مطالب زیادی نوشته شده است که می‌توان به کتاب‌های ذیل اشاره نمود: «الاقتصاد» شیخ طوسی، «شافیه»

عبدالقاهر جرجانی، «الطراز» یحیی بن حمزه علوی و ... همچنین عالمان زیادی در مبحث اعجاز قرآن به نقد مسئله صرفه پرداخته‌اند همچون: جعفر کاشف الغطاء، کمال‌الدین زملکانی، سعدالدین تفتازانی، هبه‌الدین شهرستانی، مصطفی صادق‌رافعی و ... پژوهش‌هایی نیز در عصر حاضر درباره قول به صرفه صورت گرفته است مانند: قول به صرفه از دیدگاه آیت‌الله سیدمصطفی خمینی، نگرشی به نظریه قول به صرفه کاظم قاضی‌زاده، سیر تاریخی اندیشه اعجاز از سیدعلی آقایی، «نگاهی به آراء موافق و مخالف نظریه صرفه» ریحانه‌سادات هاشم‌آبادی، کتاب «اعجاز قرآن، تاریخ و تحلیل» محسن قاسم‌پور و ...؛ اما در هیچ‌یک از این پژوهش‌ها از دیدگاه توجه به ساختار ادبی قرآن و نحوه بیان تحدی در سیاق آیات، مطلبی را بیان نکردند و بیشتر بحث بر سر نوع و نحوه چگونگی اعجاز بوده است. درحالی‌که اگر از لحاظ ساختار ادبی بشود، پیوندی بین درون آیات و اثر بیرونی آن برقرار شود، شاکله اعجاز محسوس‌تر خواهد بود.

۲. روش پژوهش

فهم چگونگی انجام تحدی قرآن در گرو شناخت زبان قرآن و همانندی آن در زیبایی‌های زبانی است. یکی از ابعاد این اعجاز روش شناخت سیاق انگیزشی است؛ زبان انگیزشی قرآن نظریه ایست که به دو عامل بستگی دارد. یکی اینکه در سیاق آیات قرآن از مفاهیم انگیزشی استفاده شده باشد؛ دیگر آنکه از ابزارهای زبانی انگیزش‌زا بهره‌گرفته باشد (کاویانی ارانی، ۱۳۹۲، ش، ص ۶۷). از آنجایی که مفهوم تحدی از مفاهیم انگیزش‌زا و تعهدی به شمار می‌رود (عباسی، ۱۳۹۲، ش، ص ۹۶؛ نقیب‌زاده، ۱۳۸۴، ش، ص ۲). باید دید که آیا مفهوم انگیزش‌زای تعهدی از ساخت‌های انگیزشی زبان نیز بهره برده است؟ در این صورت می‌توان گفت تحدی قرآن در سیاق انگیزشی، توانسته است به مقصود خود برای جلب مخاطب دست یابد. پاسخی درون زبانی به بحث قول به صرفه خواهد بود که خداوند برای تحقق یافتن تحدی نیازی به سلب انگیزش در مخاطب ندارد و حتی برای صورت گرفتن آن از ابزارهای زبانی نیز استفاده کرده است.

۳. مفهوم کنش انگیزشی

کنش انگیزشی (Directive act) مفهومی در زبان‌شناسی است که در سال‌های اخیر از ترجمه کتاب‌های زبان‌شناسان غربی اخذ شده است؛ «این اصطلاح یکی از انواع «کنش گفتار» (Speech act) است؛ که نخستین بار توسط آستین مطرح گردید. جملات فقط دارای قابلیت صدق و کذب نیستند؛ در کنار بیان آن‌ها عمل هم صورت می‌گیرد» (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۱ ش، ص ۷۰؛ Searle, 1969: 30; Searle, 1968: 37). کنش انگیزشی مخاطب را به انجام یا ترک کاری تشویق می‌کند که ممکن است در قالب جملات امری، پرسشی، خواهش یا فرمان متبلور گردد» (Martinez-Flor, 2005: 168). کنش‌های گفتاری از بار انگیزشی برخوردارند. کنش‌های اظهاری، ترغیبی، عاطفی، تعهدی، اعلامی سبب می‌شوند مخاطب در خارج از کلام علاوه بر درک معنا، عکس‌عملی که همان کنش می‌باشد را انجام دهد. (حسینی معصوم، ۱۳۹۴ ش، ص ۷۰) این از همان انگیزه‌نشأت می‌گیرد.

ارتباط این مفهوم در ادبیات عرب در قالب اسلوب بلاغی گنجانده شده است؛ علم معانی دارای قابلیت ساخت‌هایی برای انجام این کنش است. جملات در علم معانی به دو شیوه خبری و انشایی با اهداف مختلف تقسیم می‌شوند. (تفتازانی، ۱۴۳۴ ق، صص ۱۹ و ۱۷۹)

«گزاره‌های انشایی از اساس ویژگی انگیزشی دارند؛ یعنی انتخاب گزاره و سیاق انشایی در کلام، بیشتر به قصد ایجاد نوعی تأثیر و حالتی انگیزشی در مخاطب انجام می‌گیرد. بر این اساس موضوع زبان انگیزشی در گزاره‌های انشایی درخور مناقشه نیست؛ اما انگیزشی بودن گزاره‌های خبری، موضوعی است که بررسی آن در ارتباط با زبان قرآن کریم امری جوهری به نظر می‌آید». (عباسی‌نیا، ص ۱۱۷)

قصد اولیه و اصلی از ایراد جملات خبری انتقال پیام به مخاطب و آگاه کردن وی از مضمون خبر است در علم بلاغت از جملات خبری برای اغراض دیگری نیز استفاده می‌شود؛ مثل برانگیختن رحم و شفقت (استرحام): «...فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ

فَقِيرٌ» (قصص: ۲۴). پس گفت: «پروردگارا! هر خیر و نیکی بر من فرستی، به آن نیازمندم!». اظهار شادی و فرح: «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (اسراء: ۸۱) و بگو: «حق آمد و باطل نابود شد یقیناً باطل نابود شدنی است!». اظهار حزن و حسرت: «فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنَّي وَضَعْتُهَا أُنْثَى...» (آل عمران: ۳۶) «ولی هنگامی که او را به دنیا آورد، (و او را دختر یافت)، گفت: «خداوندا! من او را دختر آوردم...». بیان اغراض دیگری به تناسب سخن می‌باشد.^۱ برای اهداف انگیزشی از ساخت‌های انگیزشی در کنار مفاهیم انگیزشی نیز استفاده می‌شود. برای نمونه به چند مورد از این ساخت‌ها در بحث مسندالیه اشاره می‌شود: «حذف، ذکر، ادات معرفه‌ساز، تنکیر (نکره آوردن)، توابع، تقدیم و تأخیر مسندالیه بر مسند، خروج از مقتضی ظاهر،...»؛ علم معانی از این ساخت‌ها برای اهداف انگیزشی بهره می‌برد. (تفتازانی، ص ۲۱۱ تا ۳۰۸)

۴. شرایط برقراری کنش گفتاری

برای به وجود آمدن یک «کنش گفتاری» مطلوب، باید شرایط و مواردی مهیا شود تا بتواند نتیجه مطلوبی را برای گوینده و شنونده داشته باشد.

۴-۱. پیش شرط‌ها

گوینده و شنونده باید دارای زبان مشترک و عاری از موانع ارتباط و مفاهمه باشند. در قرآن کریم این پیش شرط چنین بیان می‌شود: «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ (۱۹۳) عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ (۱۹۴) بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ؛ روح الامین آن را نازل کرده است ... (۱۹۳) بر قلب (پاک) تو تا از اندازکنندگان باشی! (۱۹۴) آن را به زبان عربی آشکار (نازل کرد)!» (شعراء: ۱۹۵) یعنی زبان مشترک بین قرآن و مردم عربی است.

۱. رک: حسینی معصوم، سیدمحمد و رادمرد، عبدالله، «تأثیر بافت زمانی-مکانی بر تحلیل کنش گفتار؛ مقایسه فراوانی

انواع کنش‌های گفتار در سوره‌های مکی و مدنی قرآن کریم»، جستارهای زبانی، شماره ۳ (۱۳۹۴ ش) ص ۷۰

جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن، دلائل الإعجاز فی علم المعانی، (بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۲ ق). ص ۳۴۵

۲-۴. شرایط اولیه

گوینده باید جمله‌هایی را به زبان عادی و مشترک میان آن دو که روش قراردادی برای انجام این نوع کنش گفتاری است، بیان کند. قرآن نیز بر اساس عرف زبان عرب سخن گفته است: «وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْ لَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَعْجَمِيًّا وَعَرَبِيًّا...؛ هرگاه آن را قرآنی عجمی قرار می‌دادیم حتماً می‌گفتند: «چرا آیاتش روشن نیست؟! قرآن عجمی از پیغمبری عربی؟!...» (فصلت: ۴۴) اگر قرآن از غیر عرب بود ایراد می‌گرفتید که زبان اعجمی است و غیرقابل فهم برای مردم عرب است.

۳-۴. شرایط وصفی

جمله باید حامل رابطه‌هایی درباره‌ی چگونگی اوضاع مناسب با آن، نوع کنش باشد.

۴-۴. شرایط روان‌شناختی

گوینده باید قصد کند که آن کنش گفتاری را به واسطه‌ی جمله انجام دهد و حالات روانی مناسب آن را نیز داشته باشد. شنونده باید فرض کند که گوینده، قصد و نتیجه مناسب را دارد. (ساجدی، ۱۳۸۱ ش، ص ۱۲۴؛ Searle., 344-369.; Austin, 1955: 111-119.) شرط سوم و چهارم در بلاغت زبان عربی به‌عنوان رعایت مقتضای حال مخاطب نامیده می‌شود (السکاکی، ۱۴۰۷ ق، ص ۷۳ و ۷۴). توجه به موقعیت «بافت بیرونی» زمان و مکان که بر روی مخاطب تأثیر می‌گذارد، همراه با «بافت درون‌متنی»، شرایط برقراری یک کنش گفتاری را فراهم می‌کند.

تطبیق نظریه‌ی آستین (شرایط برقراری کنش گفتاری) بر روی گزاره‌های قرآنی توسط ابوالفضل ساجدی صورت گرفته است و به این نتیجه می‌رسد که گزاره‌های قرآنی از این حیث چند بُعدی است. چنین مطرح می‌شود که آیات قرآن دارای کنش‌های متعددی است. برای مثال در این آیه بیان می‌کند: «...إِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا...» و هنگامی که آیات او بر آن‌ها خوانده می‌شود، ایمانشان فزون‌تر می‌گردد...» (انفال: ۲) انسان مؤمن با تلاوت قرآن ایمانش افزایش می‌یابد؛ یعنی ترس قلبی با یاد خداوند در نماز به

آرامش تبدیل می‌شود. در این عبارت فقط بیان یک خبر نیست بلکه در آن از احساسات و عواطف فرد مؤمن در نتیجه تلاوت قرآن سخن می‌شود و با خواندن و مطالعه معمولی متفاوت است (ساجدی، ابوالفضل، ص ۱۲۶). برقراری شرایط «کنش انگیزشی» در سیاق آیه ۲۳ سوره بقره به نقد نظریه قول به صرفه، کمک می‌کند.

۵. مفهوم شبهه «قول به صرفه»

موضوع «قول به صرفه» در بحث اعجاز قرآن و آیات مربوط به تحدی از سوی دانشمندان علوم قرآنی مطرح می‌شود و آراء خود را در این مورد بیان کرده‌اند. (الجرجانی‌الدار، ۱۴۱۳ ق. ص ۶۱۵) به استناد آیه ۱۴۶ سوره اعراف: «سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ...» به زودی کسانی را که در روی زمین بناحق تکبر می‌ورزند، از ایمان (به) آیات خود، منصرف می‌سازم!...». راز اعجاز قرآن را در مسئله‌ی «صرفه» بیان می‌کنند. صرفه را بدان معنا که گفته‌اند: سلب هرگونه امتیازی از قرآن است؛ اعجاز قرآن تنها از خارج و به صورت قهری تحقق می‌یابد. این گفته، با ظاهر بلکه با صراحت قرآن منافات دارد؛ که جنبه اعجاز و خصوصیات آن را در خود قرآن دانسته است. (معرفت، ۱۴۱۰ ق. ص ۱۳۸)

این نظریه برای اولین بار در قرن سوم توسط «ابراهیم بن سيار» مشهور به «نظام» معتزلی مطرح گشت. (ابوزهره، ۱۳۷۹ ش. ص ۱۰۱ و ۱۰۲) «جاحظ، شاگرد «نظام»، نیز قائل به «صرفه» است، اما می‌گوید نفس قرآن خود صرفه‌آور است؛ صرفه در نفس قرآن مانند نیروی جاذبه چشم شیر است که شکار را به سوی خود می‌کشاند زیرا مقهور است؛ و این خود رأی بدیع و جالبی در مورد صرفه است، زیرا قائلین به صرفه می‌گویند نیروی بازدارنده‌ای از جانب خداوند پاسدار تحدی قرآن است که قابل توجیه و توصیف نیست، مانند فراموشی و تعطیل ذهن و حواس در وقت اراده اتیان به مثل آن است»^۱.

ارک: کمالی دزفولی، علی، شناخت قرآن، ۱، (تهران: اسوه، ۱۳۷۰ ش). ص ۵۹۲
جاحظ، أبو عثمان، رسائل للجاحظ، (القاهرة: مكتبة الخانجي، ۱۳۸۴ ق). ج ۳، ص ۲۷۸

واکاوی مفهوم «سلب انگیزش» بر اساس ساختار زبانی در ...؛ نوروزی و بخشی‌نیا | ۱۷۵

از میان علمای شیعه که این نظریه به او نسبت داده شده، سید شریف مرتضی است. ایشان علاوه بر فصاحت و بلاغت در کلام الهی، وجه برون‌متنی «صرفه» را نیز از وجوه اعجاز می‌داند. به دین معنا که خداوند مخاطبش را از آوردن مثل قرآن، بازداشته است (علم‌الهدی، ۱۳۸۲ ش. ص ۱۵). نظریه در آن زمان توسط علما، در ظاهر مورد پذیرش قرار گرفته بود؛ و بابی را در بحث‌های شبهات اعجاز قرآن باز کرد و سعی شده است از جنبه‌های مختلف، به آن نگاه شود و پاسخ مناسبی را دریافت کند (معارف، ۱۳۸۳ ش. ص ۱۱۱). از میان تفسیرهایی که از «قول به صرفه» ارائه داده‌اند؛ یکی، سلب انگیزه از مخاطب در معارضه با قرآن است (العلوی‌الیمنی، ۱۳۳۲ ق. ص ۲۱۸). گویی خداوند قبل از اینکه تحدی انجام گیرد، انگیزه انجام کار را از مخاطب سلب می‌کند. هیچ‌یک از علماء زبان عربی از این نظریه، متابعت نکردند؛ و در نقد آن از لحاظ کلامی و تاریخی کوشیده‌اند؛ به بیان دیگر شبهه‌ی صرفه، این است که در زمان نزول قرآن مردم عرب، انگیزه لازم برای آوردن قرآن را نداشتند و این عدم انگیزه به عجز آن‌ها تعبیر شده است؛ خارج از باقی تفاسیر مربوط به «صرفه»، به روش سیاقی به بررسی یکی از آیات شریفهٔ تحدی (۲۳ سوره بقره)، پرداخته می‌شود. آیا تفسیر «عدم انگیزه» در آوردن مثل آن در قول به صرفه، ناشی از سلب انگیزه از خارج است؟ در صورتی که افرادی چون «مسلمه کذاب» انگیزه آوردن مثل آن را در طول تاریخ نشان دادند (الطبری أبو جعفر، ۱۴۰۷ ق. ص ۱۹۹). همچنین آیهٔ ۳۱ سوره انفال: «وَ إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ؛ و هنگامی که آیات ما بر آنها خوانده می‌شود، می‌گویند: «شنیدیم (چیز مهمی نیست) ما هم اگر بخواهیم مثل آن را می‌گوییم این‌ها همان افسانه‌های پیشینیان است!» (ولی دروغ می‌گویند و هرگز مثل آن را نمی‌آورند).» چنین بیان می‌کند که کفار، آوردن مثل قرآن را بر خود مشکل نمی‌دیدند. (بلخی، ۱۴۲۳ ق. ص ۱۱۲)

۶. نظریهٔ بطلان‌پذیری قرآن

پروردگار عالم برای اثبات اعجاز آیات خود شیوهٔ ابطال‌پذیری را برمی‌گزیند و در برابر مخالفانش، تحدی می‌کند. چنانچه بتوانند مانند آن را بیاورند، اعجاز آن باطل خواهد بود.

شاهد آن هستیم که این اعجاز، هنوز به قوه خود باقی است. جنبه‌های مختلفی از اعجاز قرآن در این حیثه قرار می‌گیرد؛ اینکه خطاب عمومی است یا فقط جامعه عرب را پوشش می‌دهد؟ و دیگر اینکه به تنهایی صورت بگیرد یا می‌تواند در تحدی کمک بطلند؟ محدوده تحدی به چه میزان است؟ آیات قرآن، شاهد بیان این مطلب است؛ در پنج آیه، تحدی صورت گرفته است و اکثر آنان خطاب به معاندین و منکران وحی است. دقت در مضامین آیات تحدی در این زمینه تا حدودی راه گشاست.

خداوند متعال گاه به آوردن همانندی برای قرآن «...أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ...» که همانند این قرآن را بیاورند... (اسراء: ۸۸)، گاه به آوردن سوره‌ای همانند قرآن: «...قُلْ فَاتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ...» بگو: «اگر راست می‌گویید، یک سوره همانند آن بیاورید...» (یونس: ۳۸) و (بقره: ۲۳) و نیز آوردن (ده سوره) مانند قرآن: «...قُلْ فَاتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِثْلِهِ...» بگو: «اگر راست می‌گویید، شما هم ده سوره ساختگی همانند این قرآن بیاورید...» (هود: ۱۳)، همچنین آوردن سخنی مثل قرآن: «فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ...» سخنی همانند آن بیاورند!... (طور: ۳۴) تحدی کرده است. مقصود از واژه «سوره» در آیات مذکور نه مفهوم مصطلح آن، بلکه مجموعه‌ای از آیات قرآن است که برای بیان هدف و مقصود خاصی نظم و ترتیب یافته‌اند. قدر متیقن و حداقل آیاتی از قرآن که بدان تحدی شده است یک سوره هست؛ و ملاک سوره، نه بلندی و کوتاهی آن و یا تعداد آیات آن است، بلکه کامل بودن معنا و مقصودی که مجموعه‌ای از آیات در صدد بیان آن است. (زرقانی، ۱۳۸۵ ش. ص ۱۰۴۹)

«سبک خاص قرآن که همیشه مورد عنایت ادبا و خطبا بوده است. تأثیر لفظی و معنایی در ساختار زبان عربی باعث شد، مشکلات زبان از سطحی و محدود بودن و عدم تناسب و بی‌معنایی گسترش پیدا کرده و نوعی انگیزش، برای کاربردی کردن اهداف قرآن در عقول بشری شود.» (سیدی، ۱۳۸۷ ش، ص ۹۸ تا ۱۰۰)

۷. بررسی سیاق درونی آیه ۲۳ سوره بقره

ارتباط موضوعی آیه مورد نظر در سیاق آیات ۲۱ تا ۲۵ سوره می‌باشد. موضوع مطرح در

واکاوی مفهوم «سلب انگیزش» بر اساس ساختار زبانی در ...؛ نوروزی و بخشی‌نیا | ۱۷۷

آن، تثبیت پیامبری و دفاع قرآن در برابر مخالفان است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق. ص ۵۷). در ادامه با بررسی راهبردهای بلاغی که سبب کنش انگیزش در مخاطب می‌گردد، سیاق واکاوی می‌شود.

۱-۷. راهبردهای بلاغی برای فهم انگیزش در سیاق سوره

علاوه بر استفاده از مفاهیم انگیزش‌زا در قرآن، مانند تبشیر، انذار، تنبیه، تفکر و تعقل، تذکیر،... (عباسی‌نیا، ص ۱۰۳ تا ۱۳۰؛ عباسی، ص ۴۴ تا ۸۵) انسان‌ها برای معتقد شدن به واقعیت فقط به‌درستی و نادرستی مقوله توجه نمی‌کنند، بلکه یک کشش درونی که آیا با میل من نیز سازگار است یا خیر؟ در پذیرش او مؤثر است. در حقیقت هرچند علم و آگاهی داشته باشد، ولی نیازمند یک عمل جوانحی نیز هست. برای برقراری پیوند بین اعتقاد و میل نیازمند انگیزش است.

خداوند در سیاق آیه ۲۳ سوره بقره از مفهوم آگاهی‌بخش استفاده کرده است؛ یعنی به انسان‌ها خبر می‌دهد این قرآن معجزه است؛ صفات و اعمال الهی را برای انسان گوشزد می‌کند (سید قطب، ۱۴۲۵ ق. ص ۴۶). ولی در کنار این مفاهیم از ابزارهای زبانی برای شوراندن مخاطب بهره می‌گیرد (سیدی، ۱۳۸۷ ش، ص ۱۰۹). راهبردهای استفاده از انگیزش در بلاغت زبان عربی همان‌طور که بیان شد، در علم معانی گنجانده شده است. هر نوع ساختاری که باهدف ترغیب و تهییج، آگاهی‌رسانی، تشویق و انذار و ترهیب مخاطب باشد؛ در این گفتار جای می‌گیرد.

۲-۷. استفاده از ادات انگیزشی در آیه

سیاق آیه تحدی با عبارت خطاب عمومی آغاز می‌شود: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ ای مردم! پروردگار خود را پرستش کنید آن کس که شما و کسانی را که پیش از شما بودند آفرید تا پرهیزکار شوید.» (بقره: ۲۱) گروه‌هایی که در برابر دعوت به اسلام قرار داشتند؛ در آیات قبل تقسیم‌بندی شده و سرنوشت هر کدام را روشن می‌کند، ولی در این آیه، خطاب را با عبارت عمومی «ناس» شروع

می‌کند. گویی تمامی گروه‌های منافق و مؤمن و کافر که در آیات قبل راجع به آنان صحبت کرده بود. باز مورد خطاب قرار می‌دهد. خطاب با «حرف ندا» شروع می‌گردد. در هیچ‌جای قرآن «حرف ندا» بدون حرف «یا» به کار نرفته است و در زبان عرب این روش برای اقبال و روی‌آوری مخاطب به مطلب است و هدف در اینجا آگاهی دادن به مخاطب می‌باشد (صدیق‌حسن‌خان، ۱۴۲۰ ق. ص ۷۷). جمله ندایی موردنظر، انشایی است و کنش مقابل آن تقوا است: «...لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ ...تا پرهیزکار شوید.» و اینکه گروهی دیگر را هم در این امر یکسان می‌داند: «...وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ...؛ کسانی را که پیش از شما بودند...»، انگیزه بیشتری برای انجام تقوا به مخاطب می‌دهد.

۷-۲-۱. ادات آگاهی‌بخش

یکی از اهدافی که از «ادات ندا» استفاده می‌شود، اشاره کردن برای ایجاد انگیزه مخاطب است، برای روی آوردن به امری است، یا برای اقبال مطلق مخاطب، به سوی طلب چیزی است؛ در آیه موردنظر در عبارت: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ...؛ ای مردم!...» از انگیزه طلب استفاده شده است.

لفظ «...يَا أَيُّهَا...» کلمه تنبیه یعنی «ها» که بین «أَيُّ» و صفت آن «النَّاسُ» واقع شده است، برای کمک به حرف «ندا» و تأکید معنای آن و عوض از مضاف‌الیه است؛ و تمام آنچه خداوند به خاطر آن بندگانش را مخاطب قرارداده، اعم از اوامر و نواهی و وعده و وعید و جز آن، از اموری مهم و مفاهیمی بلند و شایان توجه است. از این رو سیاق آیه اقتضاء می‌کند، که خداوند بندگانش را با تأکید بیشتر و بلیغ‌تر مورد خطاب، قرار دهد. (طبرسی، ۱۴۱۲ ق. ص ۲۷)

۷-۳. استفاده از موصول (الذی)

معرفه کردن مسندالیه در جمله با روش‌های مختلفی از قبیل آوردن ضمیر، اسم علم، اسم اشاره، الف و لام، اضافه کردن به علم، استفاده از موصول «الذی» می‌باشد؛ در بلاغت ادبیات عرب باهدف به شوق آوردن مخاطب، زمانی اتفاق می‌افتد که خبرش دربردارنده

واکاوی مفهوم «سلب انگیزش» بر اساس ساختار زبانی در ...؛ نوروزی و بخشی‌نیا | ۱۷۹

شگفتی باشد؛ و نیز برای هشدار به مخاطب و به خبر عظمت بخشیدن است (طبرسی، فضل بن حسن، پیشین، ص ۲۱۴ تا ۲۴۰). در آیه ۲۱ سوره بقره، تمام این اهداف نمایان است. در هر کدام از آن‌ها نوعی تحریک مخاطب وجود دارد. «...الَّذِي خَلَقَكُمْ...؛ ... آن‌کس که شما را آفرید...» صفت برای تعظیم و تعلیل جمله قبلی است. موصول «الَّذِي» به نام خداوند اختصاص دارد و جامع صفات دیگر از ایشان است. تمام این‌ها، مقدمه بحث تحدی است و تحریک مخاطبی که نیاز به مؤید برای اعجاز قرآن دارد (شبر، ۱۴۰۷ ق. ص ۷۸). استفاده از رابط وصفی نیز از شرایط تحقق کنش گفتاری بود.

۷-۴. استفاده از ادات شرط و ضمیر مخاطب

در سیاق آیه ۲۳ بقره، «إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ...؛ و اگر درباره آنچه بر بنده خود [پیامبر] نازل کرده‌ایم شک و تردید دارید، (دست‌کم) یک سوره همانند آن بیاورید...»، تحدی با حرف شرط شروع می‌شود و مسندالیه جمله با ضمیر «کنتم» آمده است؛ که در فرهنگ زبان عربی هر دو برای اهداف انگیزشی ذکر شده است. طبق قاعده، هنگامی گوینده «إِنْ» شرطیه را بکار می‌برد که به واقع شدن شرط در آینده، یقین نداشته باشد؛ و از این رو «إِنْ» در حالات و رخدادهایی کم اتفاق می‌افتد، بسیار استعمال می‌گردد؛ و واجب است؛ از فعل مضارع استفاده گردد؛ چون احتمال شک در وقوع آن است (تفتازانی، ص ۱۱۴ و ۱۱۸). همین امر، تعجیز مخاطب را می‌رساند.

۷-۵. راهبرد بلاغی برای تحریک مخاطب

هدف از عبادت، در سیاق آیات ۲۱ تا ۲۳ بقره بر دو امر موقوف است، یکی اثبات وحدانیت و دیگری ابطال شرک، به همین علت اشاره به اوصاف پروردگار می‌شود؛ تا برای اثبات نبوت به ترغیب، ترهیب، تعریف و تعیین عبادت پردازد. در واقع آیه «إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ...؛ و اگر -درباره آنچه بر بنده خود [پیامبر] نازل کرده‌ایم- شک و تردید دارید...» (بقره: ۲۳) را به جمله «يَا أَيُّهَا النَّاسُ...؛ ای مردم!...» (بقره: ۲۱) که ظرف موجود در موضع خبرکان است مربوط می‌کند؛ و معنی آن چنین می‌شود: «و ان کنتم فی ریب، یحیط

بکم احاطة الظرف بالمظروف؛ اگر بر احاطة قرآن شک دارید؛ از کسی که نازل کرده و یا آنچه نازل کرده و یا هر احتمال دیگری که بر معنای «تنزیلا» ترجیح داشته باشد، اکنون مانند آن را بیاورید». (قمی ۱۳۶۸ ش. ص ۲۵۶)

چون بشر خود را در این امور ناتوان می‌بیند، اعجاز امکان‌پذیر می‌شود؛ اما انگیزه شرکت در تحدی بر سر جای خود باقی است؛ از دلایل عدم وقوع شرط، استفاده از ادات «إن» شرطیه است-همان طور که در قبل بیان شد- واژه «الریب» فقط برای آگاهی دادن به کفار است و اینکه بیان شود، شک شایسته عقلا نیست. (همان، ص ۲۵۷) تناسب گفتار با دادن انگیزه به مخاطبان تحدی و درعین حال ناتوانی آن‌ها از آوردن مانند آن از مقتضیات بلاغت قرآن می‌باشد. در بخش تحقق شرایط کنش گفتاری، توجه به حالت روانشناسی و روحیه مخاطب در این قسمت نیز محقق شد.

۶-۷. خروج از مقتضی ظاهر

در تعریف این اسلوب بلاغی که در طی قرون مختلف نگاه‌هایی جدیدی به آن شده است؛ معانی و کاربردهای مختلفی را از آن ارائه دادند، آمده است که: «تغییر اسلوب کلام به اسلوبی دیگر، برخلاف اسلوب قبلی است و به شکل تغییر ناگهانی صیغه، زمان فعل و یا تغییر ضمائر دیده شده است؛ به «التفات» معروف است (طبل، ۱۴۱۸ ق. ص ۲۴؛ العلوی الیمنی، ۱۳۳۲. ص ۱۳۱). حقیقت التفات، برگرفته از نگاه انسان، به راست و چپ خویش است (ابن اثیر، ۱۹۹۵ م، ص ۳؛ تفتازانی، صص ۳۵ و ۳۹). موضوع خارج شدن کلام، از مقتضای ظاهر و بحث التفات، به انگیزه توجه‌دادن به مخاطب بر اساس مقتضای حال مخاطب صورت می‌گیرد.

اسلوب التفات در آیات قرآن نیز نمود دارد؛ در سوره بقره در سیاق آیه تحدی تغییر صیغه از «غایب به صیغه متکلم» در فعل «...نَزَّلْنَا...» (بقره: ۲۳) دیده می‌شود. خداوند در آیات قبل با افعال (خلق، جعل، انزل، اخرج) با خطاب غایب از خود نام می‌برد و ناگهان در آیه ۲۳ به متکلم مع‌الغیر، خطاب تغییر می‌کند.

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَ الْذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۲۱) الَّذِي

واکاوی مفهوم «سلب انگیزش» بر اساس ساختار زبانی در ...؛ نوروزی و بخشی‌نیا | ۱۸۱

جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أُنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۲۲) وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِمَّنْ دُونِ اللَّهِ إِنَّ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ ای مردم! پروردگار خود را پرستش کنید آن کس که شما و کسانی را که پیش از شما بودند آفرید تا پرهیزکار شوید (۲۱) آن کس که زمین را بستر شما و آسمان [جو زمین] را همچون سقفی بالای سر شما قرار داد و از آسمان آبی فرو فرستاد و به وسیله آن، میوه‌ها را پرورش داد تا روزی شما باشد. بنابراین، برای خدا همتیانی قرار ندهید، درحالی که می‌دانید (هیچ یک از آن‌ها، نه شما را آفریده‌اند و نه شما را روزی می‌دهند). (۲۲) و اگر در باره آنچه بر بنده خود [پیامبر] نازل کرده‌ایم شک و تردید دارید، (دست کم) یک سوره همانند آن بیاورید و گواهان خود را- غیر خدا- برای این کار، فراخوانید اگر راست می‌گویید! (بقره: ۲۳)

یکی از اهدافی که می‌توان برای این التفات متصور شد، بزرگ داشتن امر نبوت و نزدیکی پیامبر صلی الله علیه و آله به پروردگار برای اثبات نبوت و تحریک مخاطب است؛ به مبارزه با دو امر مهم، یکی انزال قرآن و دیگری خطاب «...عَبْدِنَا...» که از عهده کسی ساخته نیست، اما درعین حال با وجود عجز بندگان، آن‌ها را به انگیزش اینکه آیا امکان هم آوردی وجود دارد یا خیر؟ وامی‌دارد (قمی مشهدی، ۱۳۶۸ ش. ص ۲۵۶ و ۲۵۷). بار انگیزشی التفات بسیار زیاد است و در شعر عرب برای تفنن و بر سر شوق آوردن مخاطب از آن استفاده می‌شده، ولی به مرور زمان اهداف عالی‌تری با توجه به نحوه استفاده از این اسلوب، برای آن در نظر گرفته می‌شود (رادمرد، ۱۳۹۱ ش. ص ۱۶۳). در بحث تحقق شرایط کنش، توجه دادن به مقام گوینده یک رابط وصفی بسیار قوی است.

۷-۷. انگیزش در توابع

واژه «توابع» در لغت به معنی دنباله‌رو است (زمخشری، ۱۹۷۹ م. ص ۵۹). از منظر بلاغیون و علم معانی به کلماتی گفته می‌شود که در ادامه مسندالیه قرار می‌گیرند؛ از قبیل «صفت»، «تأکید»، «عطف» و «بدل» که بیانگر معنی باشند (تفتازانی، ص ۲۳۷ تا ۲۵۰). در حقیقت این موارد برای تأکید «خبر» بیان می‌شوند، متناسب با شنونده منکر خبر تا خبر برای او

تأثیرگذار شود. البته اهداف دیگری هم برای آن‌ها ذکر شده است؛ که همه زیر مجموعه شناخت مسندالیه قرار می‌گیرند، اما نکته انگیزشی توابع، همان «شناساندن مسندالیه» است، برای مواردی که احتیاج به توضیح بیشتر دارد تا انگیزه شناخت را در جان شنونده قوی‌تر نماید.

توابعی که در سیاق آیه تحدی قرار گرفته است از قبیل واژه: «...النَّاسُ...؛ مردم...» (بقره: ۲۱)، بدل یا عطف بیان است؛ عبارت «...الَّذِي خَلَقَكُمْ...؛ ... کسی که شما را خلق کرد...» (بقره: ۲۱) صفت برای «رب» می‌باشد؛ در آیه ۲۲ بقره خداوند با ذکر دوباره «الَّذِي» می‌تواند در نقش «صفت دوم» و یا «بدل» از «الَّذِي» اول و یا حتی خبر برای مبتدای محذوف باشد. اوج انگیزش را به مخاطب می‌دهد، چراکه هدف از آن تأثیرگذاری بر مخاطب است و اگر خبر برای مبتدای محذوف در نظر بگیریم برای کاویدن محذوف، شنونده را بر سر شوق آورده تا خبر بهتر بر دل و جاننش جای گیرد (صافی، ۱۴۱۸ ق، ص ۷۰ و ۷۱؛ تفتازانی، ص ۲۳۷؛ عرفان، ۱۳۸۹ ش. ص ۳۷۹ تا ۳۸۵). استفاده از رابطه‌های وصفی برای مخاطب از شرایط تحقق کنش گفتاری است، مخاطب با استفاده از شناخت امری که به سوی آن ترغیب می‌شود، بهتر می‌تواند ارتباط برقرار کند و در مقام مقایسه با غیر آن تعقل کند.

۸. تحلیل مفهوم انگیزش در سیاق آیه

انگیزش جلب مخاطب، علاوه بر اینکه در خود آیه ۲۳ سوره به‌عنوان یک «کنش تعهدی» وجود دارد. در آیات قبل از آن نیز مشاهده می‌شود. به‌عنوان مثال: آگاهی بخشی، استفاده از جملات وصفی، استفاده از ساختارهای ادبی ترغیبی که همه در جهت انگیزش به سمت توحید و پرستش خداوند یکتاست می‌باشد. به این صورت نمی‌توان گفت، چون تحدی تا اکنون پاسخی نداشته است؛ پس به این معناست که انگیزه سلب شده است. با این‌گونه تفسیر، مفهوم تحدی نیز از بین می‌رود. «چیزی که برای مخاطب اتفاق افتاده تداخل انگیزه‌ها در موضوع است» (کاوایانی‌ارانی، ۱۳۹۲ ش. ص ۲۰). تداخل انگیزه مخالفت با قدرت در تحدی و یا انگیزه پذیرش عدم توانایی در برابر قدرتی بزرگ‌تر، اتفاق می‌افتد.

واکاوی مفهوم «سلب انگیزش» بر اساس ساختار زبانی در ...؛ نوروزی و بخشی‌نیا | ۱۸۳

درواقع کفار در تعارض بین انگیزه‌ها افتاده‌اند. همان‌طور که در سیاق آیه ۲۲ سوره بقره ذکر می‌شود: «...فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَدَاداً وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ ...بنابراین، برای خدا همتایانی قرار ندهید، درحالی که می‌دانید...» شدت تأکید در ساختار جمله، قیدی بر جمله‌ی حالیه «...وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» ذکر نشده است و آن نشان می‌دهد که کفار با اینکه می‌دانند بت‌ها و دیگر چیزهایی که به جای خداوند قرار می‌دهند، هیچ‌کدام از خصوصیات و صفاتی را که خداوند در آیه ذکر کرده است را ندارند. بازهم به پرستش آن‌ها می‌پردازند و ایمان نمی‌آورند (طباطبائی، ص ۵۷). این نشان از سردگمی آن‌ها در بین انگیزش‌هاست.

۹. نتایج و یافته‌ها

سیاق آیات ۲۱ تا ۲۳ سوره بقره، علاوه بر مفاهیم انگیزش‌زای تعهدی که در بحث تحدی وجود دارد؛ شامل ساختارهای بلاغی زیر می‌باشد:

۱- استفاده از ادات انگیزشی حرف ندا در صدر سیاق، آیه ۲۱ سوره بقره.

۲- استفاده از موصول «الذی» به‌عنوان رابط وصفی و شناخت و آگاهی به مخاطب در

ابتدای سیاق آیه ۲۱،

۳- استفاده از ادات شرط «ان» و ضمیر مخاطب که با نزدیکی به مخاطب همراه است.

۴- استفاده از سبک بلاغی خروج از مقتضی ظاهر و التفات برای تحریک ذهن

مخاطب.

۵- استفاده از توابع برای رابط وصفی که شناخت را برای مخاطبش جذاب‌تر می‌کند.

نمایش این ساختار زبانی حاکی از آن است که خداوند از گفتار انگیزش‌زا در جلب مخاطبش در تحدی به قرآن استفاده کرده است و شایسته نیست که بعد از آن انگیزه را سلب کند چراکه تمام سعی در جلب مخاطبش می‌باشد؛ در نتیجه انگیزه از مخاطب در عمل نیز سلب نشده است؛ خداوند عمل بیهوده انجام نمی‌دهد؛ اگر قرار است این عمل از مخاطب سلب شود، نیازی به این مقدار از انگیزش در سیاق آیه و در مفهوم تحدی وجود نمی‌داشت. در بحث اعجاز قرآن در آیه تحدی، تناسب بین قول خداوند و عملش سبب می‌گردد رفتار توحیدی، افزایش یابد و این بزرگ‌ترین انگیزه است. حتماً انگیزه نباید به

ORCID

Mojtaba Norouzi

Marziyeh Bakhshiniya



<http://orcid.org/0000-0003-4411-888x>



<https://orcid.org/0000-0002-0610-4957>



منابع

قرآن کریم ترجمه ناصر مکارم شیرازی

ابن اثیر، ابی الفتح ضیاءالدین نصرالله. (۱۹۹۵ م). *المثل السائر فی أدب الکاتب والشاعر*، تحقیق: محمد محیی‌الدین عبدالحمید، جلد دوم، بیروت: المكتبة العصرية.

ابوزهره، محمد. (۱۳۷۹ ش). *معجزه بزرگ*، مترجم: محمود ذبیحی، ---، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.

اسماعیلی صدرآبادی، مهدی. برومند، محمدحسین. (۱۳۹۶ ش). «خطوط اصلی ارتباطی در سوره بقره»، *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، پاییز، دوره چهاردهم، شماره ۳۵.

آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۹۱ ش). «توصیف و تبیین ساخت‌های زبانی ایدئولوژیک در تحلیل گفتمان انتقادی»، *پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی (جستارهای زبانی)*، تابستان، دوره سوم، شماره ۲.

بلخی، مقاتل بن سلیمان. (۱۴۲۳ ق). *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، تحقیق: عبدالله محمود شحاته، جلد دوم، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث.

تفتازانی، سعدالدین مسعود بن عمر. (۱۴۳۴ ق). *مطول: شرح تلخیص مفتاح العلوم*، تحقیق: عبدالحمید هندای، چاپ سوم، بیروت، دارالکتب العلمیه.

جاحظ، أبو عثمان. (۱۳۸۴ ق). *رسائل للجاحظ*، تحقیق و شرح: عبد السلام محمد هارون، بی‌چاپ، القاهرة: مکتبه الخانجی.

جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن. (۱۴۲۲ ق). *دلایل الإعجاز فی علم المعانی*، محقق: عبدالحمید هندای، بیروت: دارالکتب العلمیه.

جرجانی‌الدار، ابوبکر عبدالقاهر. (۱۴۱۳ ق). *دلایل الإعجاز فی علم المعانی*، المحقق: محمود محمدشاکر ابوفهر، ---، القاهرة، دارالمدنی بجده.

حسینی معصوم، سید محمد و رادمرد، عبدالله. (۱۳۹۴ ش). «تأثیر بافت زمانی-مکانی بر تحلیل کنش گفتار؛ مقایسه فراوانی انواع کنش‌های گفتار در سوره‌های مکی و مدنی قرآن کریم»، *مرداد و شهریور، جستارهای زبانی*، دوره ششم، شماره ۳.

رادمرد، عبدالله و رحمانی، هما. (۱۳۹۱ ش). «بازنگری معنایی در «التفات»»، بلاغی و اقسام و کارکردهای آن»، *جستارهای ادبی*، بهار، دوره چهارم، شماره ۱۷۶.

- ربیع نتاج، علی اکبر. رضازاده، مصطفی. (۱۳۹۲ ش). «تأملی در نظریه سید مرتضی در اعجاز قرآن»، همایش ملی اعجاز قرآن دانشگاه شهید بهشتی تهران، بهمن ماه، دوره ۲، ---.
- زرقانی، محمد عبدالعظیم. (۱۳۸۵ ش). ترجمه *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، مترجم: محسن آرمین، جلد دوم، ---، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- زمخشری، محمود بن عمر. (۱۹۷۹ م). *أساس البلاغۀ*، چاپ اول، بیروت، دار صادر.
- ساجدی، ابوالفضل. (۱۳۸۱ ش). «نظریۀ کنش گفتاری جان آستین و فهم زبان قرآن»، *قبسات*، زمستان، دوره هفتم، شماره ۲۵.
- سکاکی، یوسف بن ابی بکر. (۱۴۰۷ ق). *مفتاح العلوم*، تحقیق: نعیم زررور، ---، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- سیدی، سیدحسین. (۱۳۸۷ ش). «مؤلفه های تصویر هنری در قرآن»، *فصلنامه اندیشه دینی*، تابستان، دوره هشتم، شماره ۲۷.
- سیدی، سیدحسین. (۱۳۸۷ ش). *رویکرد زبان شناختی به نحو عربی*، چاپ اول، مشهد مقدس، دانشگاه فردوسی.
- شبر، عبدالله. (۱۴۰۷ ق). *الجواهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین*، محقق: محمد بحر العلوم، جلد اول، چاپ اول، کویت: شرکۀ مکتبۀ الالفین.
- صافی، محمود بن عبد الرحیم. (۱۴۱۸ ق). *الجدول فی اعراب القرآن*، جلد اول، چاپ چهارم، بیروت، دارالرشید مؤسسۀ الایمان.
- صدیق حسن خان، محمد. (۱۴۲۰ ق). *فتح البیان فی مقاصد القرآن*، حاشیه نویسنده: ابراهیم شمس الدین، جلد اول، ---، بیروت، دارالکتب العلمیة منشورات محمد علی بیضون.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، جلد اول، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه.
- طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۹۰ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، جلد اول، چاپ دوم، بیروت، مؤسسۀ اعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۲ ق). *تفسیر جوامع الجامع*، مصحح: ابوالقاسم گرّجی، جلد اول، چاپ اول، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه.
- طبری أبو جعفر، محمد بن جریر. (۱۴۰۷ ق). *تاریخ الأمم والرسول والملوک (تاریخ الطبری)*، جلد

واکاوی مفهوم «سلب انگیزش» بر اساس ساختار زبانی در ...؛ نوروزی و بخشی نیا | ۱۸۷

دوم، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیه.

طبل، حسن. (۱۴۱۸ ق). *اسلوب التفات فی البلاغۃ القرآنیة*، چاپ اول، قاهره، دارالفکر العربی. عباسی، مهدی. (۱۳۹۲ ش). بررسی کنش‌های گفتاری در ترجمه جزء سی قرآن کریم بر اساس نظریات آستین (۱۹۶۲) و سرل (۱۹۶۹)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

عباسی نیا، سعید. ساجدی، ابوالفضل. (۱۳۹۵ ش). «قرآن و زبان انگیزشی»، معرفت کلامی، بهار و تابستان، دوره دوم، شماره ۱.

عرفان، حسن. (۱۳۸۹ ش). *کرانه‌ها (شرح فارسی مختصر المعانی)*، چاپ پنجم، قم، هجرت. علم‌الهدی، علی بن حسین. (۱۳۸۲ ش). *الموضح عن جهه إعجاز القرآن*، محقق: محمدرضا انصاری قمی، ---، مشهد مقدس، آستانه الرضویة المقدسه. مجمع البحوث الإسلامیة. علوی یمنی، یحیی بن حمزه. (۱۳۳۲ ق). *الطراز المتضمن لأسرار البلاغۃ و علوم حقائق الاعجاز*، جلد دوم، ---، مصر، مطبعة المقتطف.

قطب، سید. (۱۴۲۵ ق). *فی ظلال القرآن*، چاپ سی و پنجم، بیروت، دار الشروق. قمی مشهدی، محمدبن محمدرضا. (۱۳۶۸ ش). *تفسیرکنز الدقائق و بحر الغرائب*، تحقیق: حسین درگاهی، جلد اول، چاپ اول، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.

کاویانی ارانی، محمد. (۱۳۹۲ ش). «رویکردی جامع به مباحث انگیزش از دیدگاه قرآن»، مجله مطالعات اسلام و روان شناسی، پاییز و زمستان، دوره دوم، شماره ۱۳.

کمالی دزفولی، علی. (۱۳۷۰ ش). *شناخت قرآن*، چاپ اول، تهران، اسوه.

معارف، مجید. (۱۳۸۳ ش). *مباحثی در تاریخ و علوم قرآنی*، ---، تهران، مؤسسه نبأ.

معرفت، محمدهادی. (۱۴۱۰ ق). *علوم قرآنی (التمهید)*، چاپ اول، قم، حوزه علمیه قم.

نقیب زاده، محمد. (۱۳۸۴ ش). «منابع ادبی و نقش آنها در تفسیر»، معرفت، دوره چهاردهم، شماره

۹۶.

References

Holy Quran translated by Nasser Makarem Shirazi

Abbasi, Mehdi. (2012). Investigation of speech acts in the translation of part 3 of the Holy Quran based on the theories of Austin (1962) and Searle

- (1969), Master's thesis, Faculty of Literature and Humanities, University of Sistan and Baluchistan. [in Persian]
- Abbasinia, Saeed. Sajdi, Abolfazl. (2016). "Qur'an and motivational language", theological knowledge, spring and summer, second term, number 1. [in Persian]
- Abu Zahra, Muhammad. (2000). Great Miracle, translator: Mahmoud Zabihi, Mashhad, Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation. [in Persian]
- Agha Golzadeh, Ferdous. (2011). "Description and explanation of ideological linguistic constructions in critical discourse analysis", comparative language and literature researches (linguistic essays), summer, third term, number 2. [in Persian]
- Alam Al-Hadi, Ali bin Hossein. (2003). Al-Muzad on the authority of the miracle of the Qur'an, researcher: Mohammad Reza Ansari Qomi, ---, Holy Mashhad, Astana Al-Razaviya Al-Maqdisa. Islamic Research Forum.
- Austin. John.(1955). *How to do things with words*. London: Harvard Oxford University Press, Amen House.
- Balkhi, Moghatal bin Suleiman. (2002). Tafsir Muqatil bin Suleiman, research: Abdullah Mahmoud Shahateh, second volume, first edition, Beirut, Dar Ihya al-Tarath. [in Arabic]
- Hosseini Masoom, Seyyed Mohammad and Radmard, Abdullah. (2014). "The effect of time-spatial context on speech act analysis; Comparison of the frequency of speech acts in the Meccan and Madani surahs of the Holy Quran", August, Linguistic essays, 6th volume, number 3. [in Persian]
- Irfan, Hassan. (2010). Karaneha (Brief Persian description of meanings), 5th edition, Qom, Hijrat. [in Persian]
- Ibn Athir, Abi al-Fath Ziauddin Nasrallah. (1995). Al-Muthlem al-Sa'ir in the literature of the writer and poet, research: Mohammad Mohi-al-Din Abd al-Hamid, second volume, Beirut: Al-Maqabah al-Asriyah. [in Arabic]
- Ismaili-Sadrabadi, Mehdi. Broumand, Mohammad Hossein. (2016). "The main lines of communication in Surah Al-Baqarah", Qur'an and Hadith Science Research, Fall, 14th volume, number 35. [in Persian]
- Jahiz, Abu Osman. (2005). Rasaila L-Jahiz, Research and Commentary: Abd al-Salam Muhammad Haroun, Bicha, Cairo: Al-Khanji Library. [in Arabic]

- Jurjani, Abdul Qahir bin Abdul Rahman. (2001). Reasons for miracles in the science of science, researcher: Abdul Hamid Hindawi, Beirut: Dar al-Kutb al-Elamiya. [in Arabic]
- Jurjani al-Dar, Abu Bakr Abdul Qahir., (1992). The Reasons for Miracles in the Science of Science, Al-Muhaqq: Mahmoud Muhammad Shakir Abu Fahr, Al-Cairo, Dar al-Madani in Jeddah. [in Arabic]
- Kavyani-Arani, Mohammad. (2012). "A comprehensive approach to the topics of motivation from the perspective of the Qur'an", Journal of Islamic Studies and Psychology, Fall and Winter, second term, number 13. [in Persian]
- Kamali Dezfuli, Ali. (1991). Knowing the Qur'an, first edition, Tehran, Asveh.
- Ma'arif, Majid. (2004). Discussions in Quranic History and Sciences,---, Tehran, Naba Institute. [in Persian]
- Martinez-Flor.Alicia.(2005):"A Theoretical review of the speech act of suggesting: Towards a taxonomy for its use in FLT", *Revista Alicantina de EstudiosIngleses*, No 18. pp. 167-187.
- Marefat, Mohammad Hadi. (1989). Qur'anic Sciences (Al-Tamhid), first edition, Qom, Qom Seminary. [in Persian]
- Naqibzadeh, Mohammad. (2005). "Literary sources and their role in interpretation", Marafet, 14th volume, number 96. [in Persian]
- Qutb, Seyyed. (2004). In the shadows of the Qur'an, 35th edition, Beirut, Dar al-Sharrouq. [in Arabic]
- Qomi Mashhady, Mohammad Bin Mohammad Reza. (1989). Tafsirkens al-Daqayq and Bahr al-Gharaib, research: Hossein Dargahi, first volume, first edition, Tehran, Ministry of Islamic Guidance Printing and Publishing Organization. [in Persian]
- Radmard, Abdullah and Rahmani, Homa. (2011). "Semantic revision in "altfat", rhetoric and its types and functions", Literary essays, Bahar, 4th period, number 176.
- Rabi Netaj, Ali Akbar. Rezazadeh, Mustafa. (2012). "Reflection on Seyyed Morteza's theory on the Miracles of the Qur'an", National Conference on the Miracles of the Qur'an, Shahid Beheshti University, Tehran, February, period 2,---.
- Sajdi, Abolfazl. (2002). "John Austin's speech act theory and understanding the language of the Qur'an", Qabsat, Winter, 7th volume, number 25.
- Sakaki, Yusuf bin Abi Bakr. (1986). Miftah al-Uloom, research: Naeem Zarzour, Beirut, Dar al-Ketab Al-Elamiya. [in Arabic]
- Sidi, Seyed Hossein. (1967). "Components of the artistic image in the Qur'an", Andisheh Dini Quarterly, Summer, Volume 8, Number 27.

- Sidi, Seyed Hossein. (1967). Linguistic approach to Arabic, first edition, Mashhad, Ferdowsi University.
- Shabar, Abdullah. (1986). Al-Johar al-Thamin fi Tafsir al-Kitab al-Mubin, researcher: Muhammad Bahr al-Uloom, first volume, first edition, Kuwait: Al-Alfin Library Company.
- Safi, Mahmoud bin Abdul Rahim. (1997). Table of Arabs of the Qur'an, first volume, fourth edition, Beirut, Dar al-Rashid, Iman Foundation. [in Arabic]
- Sediq Hasan Khan, Mohammad. (1999). Fath Al-Bayan in Al-Maqasid al-Qur'an, Marginalist: Ibrahim Shams al-Din, first volume,---, Beirut, Dar al-Kutub al-Alamiya, Muhammad Ali Beyzoon Publications. [in Arabic]
- Searle. Johan. (1968) "Austin on Locutionary and Illocutionary acts" *The philosophical Review*. No 4. p 405-424.
- Searle. John R. (1969). *Speech acts: An essay in the philosophy of language*. Cambridge: University press.
- Searle. John R. (1975). *A Taxonomy of Illocutionary Act*, Minneapolis, University of Minnesota Press. Digital Conservancy. <http://hdl.handle.net/11299/185220>.
- Tabatabayi, Seyyed Mohammad Hossein. (1996). Al-Mizan in Tafsir al-Qur'an, Volume 1, 5th edition, Qom, Islamic Publications Office of the Seminary Teachers Association.
- Tabatabayi, Mohammad Hossein. (2011). Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, first volume, second edition, Beirut, Scientific Institution for Press.
- Tabarsi, Fazl bin Hasan. (1991). Tafsir Jameed al-Jama'i, proofreader: Abul Qasem Gurji, first volume, first edition, Qom, Center for Scientific Management.
- Tabari Abu Jafar, Muhammad bin Jarir. (1986). Tarikh al-Anhum al-Rasal al-Maluk (Tarikh al-Tabari), second volume, first edition, Beirut, Dar al-Kutub al-Elamiya. [in Arabic]
- Tabal, Hassan. (1997). The style of al-Tafat fi al-Balagha al-Qur'aniyah, first edition, Cairo, Dar al-Fikr al-Arabi.
- Taftazani, Saad al-Din Masoud bin Omar. (2012). Modul: Commentary on Talkhis Miftah al-Uloom, Research: Abdul Hamid Hindawi, 3rd edition, Beirut, Dar al-Kitab al-Alamiya. [in Arabic]
- Yemeni Alevi, Yahya bin Hamzah. (1953). Al-Musdil al-Mutlimin for Secrets of Rhetoric and the Sciences of Haqiq al-Ajjar, second volume, Egypt, Al-Muqattaf Press.
- Zarghani, Mohammad Abd al-Azim. (2006). Translated by Manahel al-Irfan in the Qur'anic sciences, translator: Mohsen Armin, second volume, --

واکاوی مفهوم «سلب انگیزش» بر اساس ساختار زبانی در ...؛ نوروزی و بخشی‌نیا | ۱۹۱

-, Tehran, Institute of Human Sciences and Cultural Studies. [in Persian]

Zamakhshari, Mahmoud bin Omar. (1979). Asas al-Balagha, 1st edition, Beirut, Dar Isdar. [in Arabic]



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

استناد به این مقاله: نوروزی، مجتبی، بخشی‌نیا، مرضیه. (۱۳۹۹). واکاوی مفهوم «سلب انگیزش» بر اساس ساختار زبانی در آیه ۲۳ سوره بقره؛ «مطالعه موردی شبهه قول به صرفه»، فصلنامه علمی سراج منیر، ۱۱(۴۰)، ۱۶۷-۱۹۱.

DOI: 10.22054/ajsm.2022.55289.1636



Seraje Monir is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی